

The Iranian Legal System's Capacity for Compensating the Victims of the Airbus (Iran Air Flight 655) Attack Incident

Abdollah Abedini^{1*}, Sassan Seyrafi²

1. Assistant Professor, Institution for Research and Development in the Humanities (SAMT), Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

Abstract

Following an Iranian lawsuit against the United States in the International Court of Justice (ICJ) over the downing of an Airbus aircraft on 17 May 1989, the two States reached an agreement on 22 February 1996, to withdraw the case. Under the agreement, Iran will refuse to pursue any legal action in exchange for compensation to the victims of the accident. The purpose of this article is not to re-examine the unknown dimensions of why and how the process leading to the conclusion of the agreement, as it calls for another broad opportunity. The question that arises in this article is that despite the fact that more than 24 years have passed since the agreement, is it possible to legally pursue the claims of the families of the victims through the Iranian legal system. At first glance, it may seem that the basis for the two States' agreement to return the case to the ICJ was to remove any legal action from Iran's agenda. However, given the existing capacity of the Iranian legal system and, more specifically, the Act on Jurisdiction of the Judiciary of the Islamic Republic of Iran to Try Civil Cases Against Foreign States (JJIFS Act), it seems possible to pursue possible legal claims by the families of Iranian victims.

Keywords: International Court of Justice, Settlement Agreement, Waiver of Rights, JJIFS Act, ICAO



Article Type:

Original Research

Pages: 33-61

Received: 2024 July 27

Accepted: 2025 May 13



ظرفیت‌های نظام حقوقی ایران برای جبران خسارت قربانیان حادثهٔ حمله به هواپیمای ایرباس (پرواز شمارهٔ ۶۵۵ ایران ایر)

عبدلله عابدینی^{۱*}، ساسان صیرفی^۲

۱. استادیار گروه فقه و حقوق، پژوهشکدهٔ تحقیق و توسعهٔ علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران.
۲. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.



چکیده

پس از طرح دعوی ایران علیه ایالات متحده در دیوان بین‌المللی دادگستری به دلیل سرنگونی هواپیمای ایرباس در ۱۷ می ۱۹۸۹، دو کشور طی توافقی در ۲۲ فوریه ۱۹۹۶ تصمیم گرفتند پرونده را از دیوان مسترد نماید. طبق این توافق، ایران در ازای پرداخت غرامت به قربانیان حادثه از هرگونه پیگیری حقوقی موضوع، خودداری خواهد کرد. هدف نوشتار حاضر بازخوانی ابعاد نامعلوم چرایی و چگونگی فرایند منتج به انعقاد توافقنامه مصالحه ایران با ایالات متحده نیست، زیرا مجال فراخ دیگری می‌طلبد. پرسشی که در این نوشتار مطرح می‌شود آن است که به‌رغم گذشت بیش از ۲۴ سال از توافق مزبور، آیا امکان پیگیری حقوقی ادعاهای خانواده‌های قربانیان حادثه مزبور از طریق نظام حقوقی ایران وجود دارد. در نگاه نخست، شاید این‌گونه به نظر برسد که مبنای توافق دو کشور برای استرداد پرونده از دیوان آن بوده که هرگونه پیگرد حقوقی از دستورکار ایران خارج شود. با این حال، به نظر می‌رسد با توجه به ظرفیت موجود در نظام حقوقی ایران و به‌طور مشخص، «قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی» امکان پیگیری ادعاهای حقوقی احتمالی خانواده‌های قربانیان ایرانی این حادثه بر اساس قانون مزبور همچنان وجود دارد.

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۳۳-۶۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۳



واژگان کلیدی: دیوان بین‌المللی دادگستری، موافقتنامه حل و فصل، اعراض از حق، قانون

صلاحیت محاکم دادگستری، ایکائو



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

درآمد

ایران در ۱۷ می ۱۹۸۹ دعوایی را علیه ایالات متحده در دیوان بین‌المللی دادگستری (از این پس، دیوان) در خصوص سرنگونی یک هواپیمای ایرانی ایرباس A-۳۰۰B به شماره پرواز ۶۵۵ مطرح کرد که به واسطه شلیک دو موشک سطح به هوا از ناو امریکایی وینسنس در تاریخ ۳ ژوئیه ۱۹۸۸ منجر به جان باختن ۲۹۰ نفر مسافر و خدمه آن شد. از طرف دیگر، ایران خواهان تجدیدنظر دیوان از تصمیم شورای سازمان هوانوردی بین‌المللی کشوری (معروف به «ایکائو») در تاریخ ۱۷ مارس ۱۹۸۹ بود. ایران از ایکائو خواسته بود نقض تعهدات مندرج در کنوانسیون مقابله با اعمال غیرقانونی علیه ایمنی هوانوردی (معروف به «کنوانسیون ۱۹۷۱ مونتreal») و کنوانسیون هواپیمایی بین‌المللی کشوری (معروف به «کنوانسیون ۱۹۴۴ شیکاگو») توسط ایالات متحده و میزان غرامت ذریبط را تعیین نماید. (Ap- ,hereinafter] ۲. p. ,۱۹۸۹, ۱۹۸۸ July ۳ of Incident Aerial)

Republic Islamic the by Submitted Memorial ;[Proceedings Instituting plication Iran of [Iran of Memorial , hereinafter] , ۱۹۹۰, ۱. p.) مدیرکل ایکائو در پاسخ به نامه ۱۶ سپتامبر دیوان، ضمن ارسال تصمیم شورا مورخ ۷ دسامبر ۱۹۸۸، ملاحظات سازمان را نیز ارسال نمود. در این تصمیم شورای ایکائو ضمن استقبال از ارائه گزارش کمیسیون تحقیق، تأسف عمیق خود از حادثه را اعلام نمود و بدون این که صریحاً نامی از ایالات متحده ببرد، اصل اساسی منع توسل به زور علیه هواپیمای غیرنظامی - موضوع ماده ۳ مکرر کنوانسیون شیکاگو - را مورد تأکید قرار می‌دهد. ضمن این که از دولت‌هایی که هنوز به پروتکل الحاق ماده ۳ مکرر به کنوانسیون شیکاگو نیپوسته‌اند، می‌خواهد هرچه سریع‌تر آن را تصویب کنند. (Organization Aviation Civil International the of Observations), ۱۹۹۲, ۶۲۰. p.)

در لایحه تفصیلی ایران در ۲۴ ژوئیه ۱۹۹۰، قلمرو تعهدات نقض شده ادعایی از سوی ایران با استناد به عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی (از این پس «عهدنامه مودت») مورخ ۱۵ اوت ۱۹۵۵ ایران و آمریکا به موارد جدیدی - اجمالاً رفتار برابر

و منصفانه با اتباع و شرکت‌های طرفین (ماده ۴)، رفتار برابر با کالاهای وارداتی و صادراتی به سرزمین طرفین (ماده ۸) و آرای تجارت و دریانوردی میان طرفین (ماده ۱۰). افزایش پیدا کرد. (Iran of Memorial, ۱۹۹۰, pp. ۱۷۹-۱۸۰) در این راستا، ایران مدعی بود ایالات متحده از پذیرش مسوولیت این حادثهٔ حمله به هواپیمای مسافری پرواز شمارهٔ ۶۵۵ ایران ایر خودداری کرده در حالی که در حوادث هوایی مشابه که آمریکا به عنوان قربانی حادثه قلمداد می‌شد، این کشور همواره خواهان دریافت غرامت هواپیما و قربانیان حادثه شده است. (Iran of Memorial, ۱۹۹۰, p. ۲۵۲) شورای ایکائو نیز در تصمیم مورخ ۱۷ مارس ۱۹۸۹ تمام درخواست‌های ایران را رد کرد و صرفاً به این جمله بسنده کرد که «شورا نسبت به این حادثه غم‌انگیز که در نتیجه اشتباه در شناسایی هواپیما رخ داد و منجر به سرنگونی و جان باختن ۲۹۰ نفر مسافر و خدمه آن شد، عمیقاً ابراز تأسف می‌کند.» (Meeting Seventh the of Minutes ICAO, ۱۹۸۹, p. ۹)

در پی تقدیم دادخواست و لایحهٔ ایران، دیوان طی نامه‌ای، از ایکائو درخواست می‌کند نظرات خود را در خصوص این حادثه به دیوان ارائه نماید. (3 of Incident Aerial July ۱۹۸۸, ۱۹۹۶, p. ۹) اما در ۸ اوت ۱۹۹۴، طرفین طی نامه‌ای به دیوان اعلام کردند که در حال مذاکره برای رسیدن به راهکاری کامل و جامع در خصوص اختلاف خود هستند و تا اطلاع ثانوی رسیدگی به حالت تعلیق درآید. با امضای «موافقت نامهٔ حل و فصل قضیهٔ حادثهٔ هوایی ۳ ژوئیهٔ ۱۹۸۸ مطروحه در دیوان بین‌المللی دادگستری» (از این پس به اختصار «موافقت نامهٔ حل و فصل» یا «مصالحه نامه») در تاریخ ۹ فوریهٔ ۱۹۹۶ (Settle- be- ۱۹۸۸ July ۳ of Incident Aerial the Concerning Case the on Agreement ment ICJ the fore, ۱۹۹۶)،^۱ نهایتاً در ۲۲ فوریهٔ ۱۹۹۶ طرفین طی نامه مشترکی به دیوان اعلام کردند که به توافق نهایی در خصوص حل و فصل اختلاف دست یافته و درخواست توقف

۱. ذکر این نکته ضروری است که موافقت نامهٔ نامۀ حل و فصل قضیهٔ حادثهٔ هوایی ۳ ژوئیهٔ ۱۹۸۸ در واقع بخشی از یک موافقت نامهٔ کلی بود که در آن علاوه بر دعوی یادشده در خصوص چهار دعوی مطروحه در دیوان داوری ایران و آمریکا نیز به طور کلی یا جزئی بین طرفین سازش واقع شد.

رسیدگی به پرونده را دارند (July ۳ of Incident Aerial, ۱۹۸۸, p. ۱۰). رئیس دیوان نیز طی قرار مورخ ۲۲ فوریه ۱۹۹۶ ضمن تأیید دریافت مصالحه‌نامه دو دولت، دستور داد که پرونده مزبور از فهرست دعاوی دیوان خارج شود (July ۳ Aerial Incident of ۱۹۸۸, p. ۱۰). با این همه، از زمان انعقاد مصالحه‌نامه مورخ ۹ فوریه ۱۹۹۶ و توقف رسیدگی به پرونده حادثه هوایی ۳ ژوئیه ۱۹۸۸ در دیوان بین‌المللی دادگستری، انتقادات فراوانی در خصوص این موافقت‌نامه به ویژه از حیث جبران خسارات مادی و معنوی وارد شده به خانواده‌های قربانیان حادثه مطرح بوده است.

این نوشتار در صدد پاسخ به این پرسش است که به‌رغم مصالحه ایران و آمریکا طبق موافقت‌نامه مورخ ۹ فوریه ۱۹۹۶ چه ظرفیت‌هایی در نظام حقوق داخلی ایران برای جبران قربانیان حادثه حمله به هواپیمای ایرباس (پرواز شماره ۶۵۵ ایران ایر) وجود دارد؟ ممکن است این فرضیه مطرح شود که با وجود مصالحه میان طرفین اختلاف امکان هر نوع پیگیری حقوقی موضوع منتفی است. با این حال، به نظر می‌رسد در پرتو تحلیل موافقت‌نامه مزبور و توجه به موازین قانونی داخلی ایران می‌توان به پاسخی متفاوت دست یافت.

روش تحقیق در این نوشتار از نوع توصیفی - تحلیلی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای است. در این راستا، با بررسی اسناد مربوط به سانحه حمله به هواپیمای ایرباس (پرواز شماره ۶۵۵ ایران ایر) به منظور توصیف وقایع، به تحلیل آنها بر اساس موازین حقوق بین‌الملل خواهیم پرداخت تا به پاسخی در خصوص سؤال تحقیق دست یابیم. در ادامه به تحلیل مفاد موافقت‌نامه حل و فصل مورخ ۲۲ فوریه ۱۹۹۶ میان ایران و ایالات متحده خواهیم پرداخت. سپس امکان انجام اقدامات حقوقی در چارچوب نظام حقوقی ایران در خصوص حادثه سرنگونی ایرباس را مورد واکاوی قرار خواهیم داد.

۱- تحلیل موافقت‌نامه حل و فصل اختلاف مورخ ۲۲ فوریه ۱۹۹۶ میان ایران

و ایالات متحده

ایالات متحده در آغازین روزهای طرح دعوای ایران در دیوان موضوع پیشنهاد حل و فصل اختلاف ناشی از حادثه ایرباس را مطرح کرد. (Times York, 1988) اما ایران به دلایل مختلف آن نپذیرفت از جمله این که ایران این اقدام ایالات متحده را عمدی می‌دانست و آن را یک جنایت بین‌المللی تلقی می‌کرد. از طرفی، ایالات متحده حاضر نبود مسوولیت این اقدام را بپذیرد و غرامت مربوط به هواپیما را بپردازد و حتی پرداخت غرامت را به خانواده‌های قربانیان محدود کرده بود. از طرفی، اصرار بر این بود که مبلغ غرامت نه به دولت ایران که مستقیماً به خود ورثه قربانیان پرداخته شود. (Times York, 1989) در سال ۱۹۹۴ مذاکراتی میان دو دولت راجع به توافق در خصوص اختلاف مزبور انجام و این موضوع نیز به اطلاع دیوان رسانده شد. (No Communique, 1994, 18/94) در ۹ فوریه ۱۹۹۶ دو دولت بر سر موافقت‌نامه‌ای جهت حل و فصل نهایی به توافق دست پیدا کردند. (Aer- the Concerning Case the on Agreement Settlement, 1996, ICJ the before 1988 July 3 of Incident ial)

سند مصالحه‌نامهٔ مورخ ۹ فوریهٔ ۱۹۹۶ شامل یک توافق کلی در ۳ صفحه و ۳ پیوست منضم به آن می‌باشد. عنوان این سند «موافقت‌نامه حل و فصل در مورد پرونده حادثه هوایی ۳ ژوئیهٔ ۱۹۸۸ نزد دیوان بین‌المللی دادگستری»^۱ است. پیوست نخست «فهرست قربانیان ایرانی پرواز شماره ۶۵۵ ایران ایر»^۲ می‌باشد. پیوست دوم تحت عنوان «پرداخت غرامت به ورثه قربانیان ایرانی حادثه هوایی ۳ ژوئیهٔ ۱۹۸۸»^۳ است. پیوست

1. Settlement Agreement, 1996.

2. Annex 1: List of Iranian Victims of Iran Air Flight.655

3. Annex 2: Concerning the Payment of Compensation to the heirs of the Iranian Victims of the Aerial Incident of 3 July.1988

سوم نیز با عنوان «اطلاعیه به دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد توقف پرونده»^۱ می‌باشد. در ادامه به تجزیه و تحلیل موافقت‌نامه مزبور می‌پردازیم.

ایالات متحده در مقدمه متن موافقت‌نامه حل و فصل اختلاف، می‌پذیرد که حادثه مزبور یک تراژدی تأسف بار بود و از این جهت، تأسف عمیق خود را در مورد جان باختن مسافران و خدمه هواپیما اعلام می‌کند. (Agreement Settlement, ۱۹۹۶, p. ۱) بر این اساس، این دولت اشاره‌ای به مسوولیت خود در این حادثه ندارد و به طور تلویحی آن را حادثه‌ای قلمداد می‌کند که از روی اشتباه ارتکاب یافته است. در رسانه‌ها و جراید نیز مقامات ذریبیط امریکایی پرداخت غرامت به ایران را از روی لطف عنوان کرده‌اند بدون این که مسوولیت حادثه مزبور را بپذیرد. (Times York New, ۱۹۸۸) این نقطه ابهام همچنان در این پرونده وجود دارد که بر چه اساسی مقامات وقت ایران تصمیم گرفتند تا ابتدا پرداخت غرامت از سوی ایالات متحده را در زمان طرح دعوا در ۱۹۸۹ نپذیرند اما در ۱۹۹۶ همان توافق را با شرایط مورد نظر ایالات متحده پذیرفتند. آیا ایران به این نقطه از اطمینان رسیده بود که طرح دعوایش در دیوان به ثمر نخواهد رسید؟ با مراجعه به اسناد داخلی از جمله جراید آن زمان در بهمن و اسفند ۱۳۷۴ حتی خبری از انتشار این توافق به چشم نمی‌آید.

اساساً موافقت‌نامه‌هایی از این دست در ادبیات حقوقی بین‌المللی با عنوان «موافقت‌نامه‌های پرداخت یکجا یا مقطوع»^۲ شناخته می‌شوند و به این

1. Notification to the International Court of Justice Regarding Discontinuance of the ICJ Case.

2. Lump Sum Agreements

استفاده از این نوع موافقتنامه‌ها پس از جنگ جهانی دوم در رویه دولت‌ها به شکل گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفت. محل استفاده از این موافقتنامه‌ها معمولاً در جبران خسارت از خسارات ناشی از مخاصمات مسلحانه و فرایند ملی شدن بوده است. در یک تحقیق انجام شده میان سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۵، بیش از ۲۰۰ نوع موافقتنامه مقطوع میان دولت‌ها منعقد شده است. براساس همین تحقیق، میانگین زمانی میان ورود خسارت و انعقاد موافقتنامه مقطوع، ۲۶ سال بوده است. عدم امکان رسیدگی به تمامی ادعاهای ناشی از جنگ‌ها و مخاصمات مسلحانه و همچنین، عدم تمایل دولت‌های توسعه

معنی هستند که یکی از طرفین می‌پذیرد در ازای قبول یا عدم قبول مسوولیت عمل متخلفانه، نسبت به پرداخت غرامت به اتباع دولت یا دولت زیان‌دیده اقدام نماید. خصیصه اصلی این گونه موافقت‌نامه‌ها این است که با انعقاد آنها، دولت زیان‌دیده حق خود را در خصوص هرگونه پیگیری حقوقی به هر شکل ممکن در هر مرجع ذیصلاح اسقاط نماید. (Foltz and Bank, ۲۰۱۳, para. ۱).

بنابراین، باید فرض را بر این گذاشت که مقامات تصمیم‌گیر وقت دولت ایران، از این موضوع آگاهی داشتند و فحوای موافقت‌نامه نیز به نحوی از سوی دولت ایالات متحده نگارش یافته که ماهیت این موافقت‌نامه را در زمره موافقت‌نامه‌های پرداخت یکجا قرار می‌دهد. در ادامه، بندهای متعدد موافقت‌نامه مزبور ماهیت این توافق را بیشتر روشن می‌کند.

بر اساس بند یک موافقت‌نامه، «دولت ایالات متحده با توافق بر حل و فصل کامل و نهایی همه اختلافات، ادعاعات، دعاوی متقابل و اموری که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از قضیه حادثه هوایی ۳ ژوئیه ۱۹۸۸ که هم‌اکنون در دیوان در حال پیگیری است، میان دو دولت به وجود آمده یا می‌تواند به وجود بیاید یا می‌تواند در دیوان

یافته و دولت‌های کمونیست پس از جنگ جهانی دوم به ارجاع اختلافات ناشی از اموال به دادرسی‌های بین‌المللی از دلایل ازدیاد این نوع موافقت‌نامه‌ها برشمرده شده است. ضمن این که در خصوص اثر ایجاد رویه حقوقی این نوع موافقت‌نامه‌ها گفته شده که اصولاً نمی‌توانند ایجاد رویه کنند به ویژه این که ناشی از توافق دولت‌ها بر اساس یک فرایند و توافق سیاسی است که لزوماً مبتنی بر داده‌ها یا یافته‌های ناشی از دادرسی‌های بین‌المللی نیست. به خصوص این که معمولاً دولت پرداخت‌کننده غرامت با انعقاد این دست موافقت‌نامه‌ها در صدد میرا ساختن خود از هرگونه مسوولیت حقوقی است. یکی از ویژگی‌هایی که در عمده این موافقت‌نامه‌ها به عنوان شرط پرداخت به اتباع طرف مقابل مطرح می‌شود، داشتن تابعیت در زمان وقوع حادثه منجر به ورود خسارت است. به طور کلی در رویه عملی دولت‌ها در موارد زیر، معمولاً موافقت‌نامه‌های مقطوع میان دولت‌ها منعقد شده است: جانشینی دولت‌ها؛ اقدامات دولت ثالثی که در مقام ائتلاف یا اتحاد با دولت مسوول قرار دارد؛ اعمال اشخاص خصوصی در صورتی که مسوولیت دولت ذیربط قابل احراز باشد؛ دولت‌هایی که مبادرت به آغاز جنگ و مخاصمه مسلحانه کرده باشند؛ ملی کردن و مصادره اموال. رک: (امینی و ابراهیم‌گل، ۱۳۹۵: ۱۴-۸) (Foltz and Bank, ۲۰۱۳, paras. ۲-۴; Lillich, Bederman and Weston, ۱۹۹۵, pp. ۱۵-۲۰).

[داوری] دعاوی ایران و ایالات متحده مطرح شود، حاضر به پرداخت غرامت می‌شود...» طبق این بند ۱۳۱ میلیون دلار غرامت پرداخت می‌شود که ۶۱۸۰۰ میلیون دلار آن به ۲۴۸ ورثه قربانیان حادثه تعلق خواهد گرفت. ترتیب توزیع این مبلغ نیز بر اساس پیوست دوم به تفصیل بیان شده است.

بر اساس بند دوم، ایالات متحده در این مصالحه‌نامه یکبار دیگر اعلام می‌کند که با پرداخت این غرامت و استرداد پرونده مطروحه در دیوان، ایران و تمام نهادهایی که به نحوی به آن ارتباط دارند، در رابطه با این پرونده، ادعایی را در آینده مطرح نخواهند کرد. در بند سوم، مطلب مکمل بند دوم آمده است که در ازای پرداخت غرامت، هیچ دعوایی علیه دولت ایالات متحده و سایر اجزای آن در ارتباط با پرونده حاضر در مرجع ذیصلاح دیگری مطرح نخواهد شد. در بند چهارم نیز طرفین چنین اظهار داشته‌اند که هرگونه ادعای ناشی از دعوای حاضر مانند هزینه دادرسی و وکیل نزد هر نهاد دیگری مانند دادگاه توسط دولت ایالات متحده و ایران پذیرفته نخواهد شد. با این حال، طبق بند پنجم، طرفین امکان مراجعه به بیمه جهت دریافت غرامت و خسارت‌های وارده را دارند. (Agreement Settlement, ۱۹۹۶, pp. ۳-۵) طبق بند ششم، این توافق صرفاً در مورد دعوای مطروحه در دیوان است و سابقه‌ای را در این خصوص ایجاد نخواهد کرد. طبق بند ۷ موافقت‌نامه، محتوای آن از حیث پرداخت غرامت و اسقاط حقوق ادعایی، به محض صدور قرار توقف دعوی از طرف دیوان بین‌المللی دادگستری به خودی خود لازم الاجرا خواهد شد. (Agreement Settlement, ۱۹۹۶, pp. ۶-۷)

طرفین برای پرهیز از هرگونه تفسیر جزئی نگر بعدی در بند هشتم به این نکته نیز اشاره کرده‌اند که در زمان تفسیر، هر بند به طور جزئی مد نظر قرار نخواهد گرفت و تمام توافق به مثابه یک کل نگریسته خواهد شد. اختیار انعقاد این توافق بر اساس اعتبارنامه طرفین و نگارش موافقت‌نامه به دو زبان فارسی و انگلیسی که هر دو اعتبار یکسانی دارند از جمله مواردی است که در بند دهم به آنها اشاره شده است. زمان لازم الاجرا شدن این

توافق نیز به محض امضای طرفین می‌باشد. این نکته در بند یازدهم درج شده است.
(Agreement Settlement, ۱۹۹۶. pp. ۸-۹)

مشخص نیست که در سال ۱۳۷۴، چه نهادی در کشور اجازه انعقاد چنین موافقت‌نامه‌ای را صادر کرده است. حتی متن فارسی این توافق نیز در دسترس عموم قرار داده نشده است. مصوبات مجلس نیز حاوی قانونی مبنی بر اجازه انعقاد چنین توافقی نیست. بنابراین، همان‌گونه که پیشتر ذکر شد، منشأ تصمیم‌گیری و تجویز انعقاد موافقت‌نامه مزبور با ایالات متحده مشخص نیست. با این حال، همان‌گونه که به درستی گفته شده، طرح دعوی ایران در دعوی حاضر «یکی از عوامل ترغیب طرف مقابل به مذاکره جهت فیصله مسأله» (سیفی، ۱۳۸۲، ص. ۴۳) بود و «تسریع مصالحه را تا حدی می‌توان معلول طرح قضیه در دیوان دانست.» (سیفی، ۱۳۸۲، ص. ۴۳)

اگر نگاهی دقیق‌تر به مفاد موافقت‌نامه داشته باشیم خواهیم دید که ایران پذیرفته است درازای دریافت غرامت از هرگونه ادعایی در خصوص حادثه هوایی ۳ ژوئیه ۱۹۸۸ در هر دادگاه و مرجع ذیصلاح دیگری خودداری ورزد. به عبارت دیگر، حتی اگر ایران چنین دعوی را در یک مرجع ذیصلاح دیگر مانند دیوان بین‌المللی دادگستری یا دیوان دعاوی ایران و ایالات متحده مطرح کند، به واسطه ابراز صریح اراده دولت ایران در خاتمه دادن به دعاوی و ادعاهای ناشی از این حادثه، دادگاه یا مرجع ذیصلاح مزبور ضمن اشاره به مفاد موافقت‌نامه، آن را واجد ویژگی «اعتبار امر مختومه»^۱ خواهد دانست و دستور به رد دعوا خواهد داد. با این حال، می‌توان به نکاتی چند برای طرح ادعاهایی حقوقی در این خصوص اشاره داشت که در قسمت پایانی این نوشتار در مقام ارائه راهکارهای ممکن خواهیم پرداخت.

پیوست نخست مصالحه‌نامه، حاوی اسامی قربانیان ایرانی حادثه بود که به ترتیب الفبایی درج شده است. در این فهرست نامی از قربانیان غیرایرانی که در هواپیما

1. Res judicata

بودند دیده نمی‌شود و ایالات متحده صرفاً خود را متعهد به جبران خسارت از اتباع دولت ایران می‌داند.^۱ شاید به همین دلیل، طبق بند پنجم، امکان مراجعه دولت‌های طرف اختلاف به بیمه جهت جبران خسارت از اتباع غیرایرانی نیز مدنظر قرار داده شده است. نکته مهم دیگر در خصوص این پیوست آن است که تعداد قربانیان ایرانی ۲۴۸ نفر ذکر شده در حالی که طبق دادخواست تفصیلی ایران این تعداد ۲۵۴ مورد بوده است. ظاهراً دلیل این اختلاف عدم احتساب خدمه پرواز ایرباس بوده است.

پیوست دوم به فرایند و نحوه پرداخت اشاره دارد. این پیوست مفصل‌ترین پیوست موافقت‌نامه محسوب می‌شود. شرایط پرداخت گرامت نیز صرفاً به احراز هویت وراث محدود شده که در قالب همکاری دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری ایران، سفارت سوئیس در تهران، نماینده بانک مرکزی و UBS بانک ایالات متحده و در نهایت، نمایندگان ایران و ایالات متحده در لاهه و نهاد تصمیم‌گیر که دولت هلند تعیین شد، انجام می‌شود. ظرف مدت زمانی ۸ سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن موافقت‌نامه امکان پرداخت گرامت وجود دارد. اگر مبلغ اضافی پس از ۸ سال در حساب مورد نظر باقی بماند از آن ایالات متحده خواهد بود و اگر مبلغ پرداختی با کسری مواجه شد از سوی ایالات متحده پرداخت خواهد شد. مدارک احراز هویت وراث در قالب ارائه شناسنامه یا پاسپورت، آدرس و اطلاعات بانکی بود که باید توسط دفتر خدمات و سفارت سوئیس در تهران تأیید گردند. اسناد مثبت‌ه سمت وراث ترجمه شده و به تأیید دادگاه ایرانی خواهند رسید. سپس به مقامات بانکی طرفین ارائه شوند و دستور پرداخت نیز توسط سفارت سوئیس در تهران انجام خواهد شد. در صورت اختلاف میان دفتر خدمات و سفارت سوئیس، نمایندگان ایران و ایالات متحده در لاهه به آن خواهند پرداخت و در صورتی که نتوانند اختلاف خود را حل کنند، دولت هلند به عنوان تصمیم‌گیرنده نهایی نظر خود را اعلام خواهد کرد. به ترتیب به وراث قربانیان شاغل ۳۰ هزار دلار و به قربانیان غیرشاغل

1. Annex 1 :List of Iranian Victims of Iran Air Flight ,655 pp.1-6 .

مبلغ ۱۵۰ هزار دلار تعلق می‌گیرد. میزان تسهیم غرامت بر اساس قانون ایران خواهد بود که در هر صورت کمتر از نصف غرامت نباید میان وراثت تقسیم شود.^۱

پیوست سوم نیز چکیده‌ای از متن موافقت‌نامه اصلی است. پیوست مزبور اشعار می‌دارد که دولت ایالات متحده در ازای پرداخت غرامت به حل و فصل نهایی و کامل با ایران بر سر دعوای مطروحه در دیوان رسیده است و ایران نیز دعوای خود را از دیوان مسترد می‌دارد.^۲

۲- راهکارهای حقوقی ممکن برای تعقیب قضایی حادثه ۳ ژوئیه ۱۹۸۸ در

محاکم ایران

در این مبحث طی دو بند به موضوع اعراض دولت ایران از حق پیگیری حقوقی حادثه ایرباس و نقش قانون صلاحیت محاکم دادگستری ایران در مورد رسیدگی به دعوای علیه دولت‌های خارجی خواهیم پرداخت.

۲-۱- آیا دولت ایران از حق پیگیری حقوقی حادثه ایرباس اعراض نموده است؟

اقدام ایران در انعقاد موافقت‌نامه حل و فصل اختلاف با ایالات متحده در قالب پرداخت یکجا موجب شد که دولت ایران حق خود را در پیگیری حقوقی بعدی این حادثه اسقاط نماید. به عبارت دیگر، دولت ایران بر اساس مفاد موافقت‌نامه می‌پذیرد از هرگونه ادعای بعدی در خصوص این واقعه اعراض نموده است. با این حال، شاید بتوان با تفسیر برخی مقررات حاکم بر مسوولیت دولت در قبال اعمال متخلفانه بین‌المللی مصوب ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل، (DARSIWA, ۲۰۰۱) فرضیه اعراض ایران از حادثه ایرباس را

1. Annex 2 :Concerning the Payment of Compensation to the heirs of the Iranian Victims of the Aerial Incident of 3 July ,1988 pp.1-9 .

2. Notification to the International Court of Justice Regarding Discontinuance of the ICJ Case.

به چالش کشید.

پیش از ورود به این مبحث مناسب است یادآوری شویم بر اساس ماده ۸۸ آیین دادرسی دیوان، زمانی که طرفین به طور مشترک قصد خود را مبنی بر عدم تداوم دعوا به دیوان اعلام می‌کنند، دیوان نیز طی قراری به خواسته طرفین توجه کرده و دعوای مزبور را از فهرست دعاوی حذف می‌نماید. در این مسیر، اگر طرفین مایل باشند دیوان می‌تواند مفاد توافق طرفین مبنی بر توقف رسیدگی به اختلاف را در متن قرار خود یا به صورت پیوست درج نماید. نکته مهم در این میان آن است که صدور قرار دیوان در مورد توقف رسیدگی به دعوا بر اساس مصالحه طرفین به خودی خود به معنای انصراف از ادعا محسوب نمی‌شود بلکه انصراف از ادعا زمانی مورد توجه قرار می‌گیرد که دیوان از طریق تفسیر مفاد مصالحه‌نامه طرفین و اوضاع و احوال قضیه به این نتیجه دست یابد که فحواي توافق مزبور به معنای انصراف یا اعراض از حق اقامه دعوا بوده است. (Wegen, ۲۰۱۲. p. ۱۴۶۷) همان‌گونه که در قسمت پیشین گفتیم، در موضوع مورد بحث ما، با توجه به محتوای موافقت‌نامه، مشخص است که محتوای این سند به نحوی است که نشان از اعراض ایران از حق خود از رسیدگی نسبت به حادثه هوایی مزبور دارد.

پیش از ورود به مفاد طرح مسوولیت دولت برای ارزیابی و تجزیه و تحلیل اعراض ایران نسبت به حادثه ایرباس، نکته مهم، امکان طرح دعوا در مورد حادثه هوایی ۳ ژوئیه ۱۹۸۹ در حال حاضر است. از این رو، به نظر می‌رسد که امکان استناد به طرح مسوولیت دولت مصوب ۲۰۰۱ فاقد اشکال باشد. با این حال، ممکن است این نکته مطرح شود که بر اساس قاعده «حقوق بین زمانی»^۱ اگر قرار باشد^۲ به موضوع این حادثه هوایی پرداخته شود باید به قواعد مربوط به اعراض از مسوولیت در زمان مصالحه طرفین پرداخته

1. intertemporal law

۲. برای مطالعه بیشتر در مورد قاعده حقوق بین زمانی رک: سیفی، ۱۳۹۲.

شود. بر اساس این قاعده، احراز وجود حق بر اساس زمان وقوع فعل یا ترک فعل مورد بحث مورد تفسیر قرار می‌گیرد اما نحوه اعمال این حق می‌تواند در گذر زمان و در لحظه تصمیم‌گیری نسبت به اختلاف موجود در خصوص حق مزبور مورد بررسی قرار گیرد. بر این مبنا، باید گفت توسل به زور علیه هواپیمای غیرنظامی اقدامی بوده که در سال ۱۹۸۴ به عنوان قاعده حقوق بین‌الملل عرفی از سوی ایکائو و دولت‌هایی که آن را به عنوان ماده ۳ مکرر کنوانسیون شیکاگو به رسمیت شناخته، معرفی شد. همچنین، توسل به زور به عنوان قاعده بنیادین حقوق بین‌الملل که از سال ۱۹۴۵ در منشور پایه‌گذاری شده در رویه دولتی و آرای دیوان بین‌المللی دادگستری نیز به عنوان قاعده بنیادین روابط بین‌الملل مورد شناسایی قرار گرفته است. امروزه در محتوای این قاعده به عنوان یک قاعده آمره تردید وجود ندارد.^۱

در حادثه هوایی ۳ ژوئیه ۱۹۸۹، توسل به زور علیه یک هواپیمای غیرنظامی حتی اگر در بدترین حالت، به صورت غیرعمدی نیز صورت گرفته باشد مانع از نقض قاعده منع توسل به زور و ایجاد مسوولیت برای دولت متخلف نمی‌شود. هرچند بر اساس آورده دیوان در قضیه سکوه‌های نفتی (که خود نمونه‌ای از اعمال قاعده بین‌زمانی در خصوص حوادث اواخر دهه ۸۰ میلادی و صدور رأی در سال ۲۰۰۳ میلادی است)، داشتن قصد حمله مسلحانه به یک هدف (در پرونده سکوه‌های نفتی، برخورد مین‌های دریایی با ناو امریکایی) شرط وقوع حمله مسلحانه جهت اعمال حق دفاع مشروع محسوب شده است. (Platforms Oil, ۲۰۰۳. p. ۶۴) اگر اثبات شود که این حادثه به طور غیرعمدی ارتکاب یافته ممکن است در صدور رأی محکومیت ایالات متحده اثرگذار باشد هرچند پرداخت غرامت کامل به قربانیان از این موضوع تأثیری نمی‌پذیرد.

۱. با این حال برخی از حقوقدانان معتقدند که تمام محتوا و قلمرو این قاعده از ویژگی آمره برخوردار نیست از جمله این که صرف تهدید به توسل به زور یا توسل به زور تا آستانه‌ای پایین‌تر از «حمله مسلحانه» که موجب اعمال حق دفاع مشروع طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد می‌شود، لزوماً به معنای نقض قاعده آمره نیست. رک: Green, ۲۰۱۱. pp. ۲۱۹-۲۲۰.

با این حال، توجه به مفاد طرح مسوولیت دولت در این خصوص جالب توجه است. براساس ماده ۴۵ طرح مسوولیت دولت، امکان استناد به مسوولیت دولت متخلف در دو حالت از بین می‌رود: نخست این که دولت زیان‌دیده به طور معتبر ادعای خود را اسقاط نماید و دوم این که دولت زیان‌دیده در مقام بیان، به طور معتبر نسبت به طرح ادعا علیه دولت ناقض تعهد سکوت اختیار کرده باشد. (Art, DARSIIWA, ۴۵) در قضیه ایرباس، مورد دوم شامل حال ایران نمی‌شود زیرا ایران به طور صریح در قالب انعقاد موافقت‌نامه حل و فصل اختلاف از حق پیگیری بعدی این قضیه اعراض کرده است. بنابراین، باید دید آیا اعراض ایران براساس بند نخست ماده ۴۵ طرح مسوولیت دولت معتبر بوده یا خیر. طرح مسوولیت در شرح این بند اعلام می‌کند، همان‌گونه که اعلام رضایت نسبت به پیوستن به یک معاهده می‌تواند در اثر عوامل مختلفی همچون اجبار نماینده دولت، معیوب شود، اعلام رضایت به اعراض یا اسقاط ادعا نیز می‌تواند در صورت دخیل بودن عوامل معیوب‌کننده رضایت دولت زیان‌دیده منجر به این نتیجه‌گیری شود که رضایت به اسقاط ادعا معتبر نبوده است. (Art, DARSIIWA, ۴۵. Commentary, ۴)

در مورد پرونده ایرباس مطالعه اسنادی که در دسترس هستند نشان می‌دهد که رضایت ایران در اعلام توافق با ایالات متحده معیوب نبوده است. ایران نیز هرگز چنین ادعایی را مطرح نکرده است. بنابراین، به نظر می‌رسد که رضایت ایران به اسقاط ادعایش در قالب انعقاد موافقت‌نامه حل و فصل به درستی ابراز شده باشد. ضمن این که کمیسیون در این خصوص میان اعراض از نقض و اعراض از آثار ناشی از نقض تفکیک قائل شده است. (Art, DARSIIWA, ۴۵. Commentary, ۲) به این معنا که اعراض از یکی منجر به اعراض از دیگری نمی‌شود. ظاهراً ایران با انعقاد موافقت‌نامه پذیرفته که نسبت به پیگیری حقوقی این دعوا چه به لحاظ نقض و چه به لحاظ آثار ناشی از نقض اقدامی انجام ندهد. در اینجا باید به این نکته اشاره کرد که دلیل ماهیت آمره منع استفاده از تسلیحات یا به طور کلی زور علیه هواپیمای غیرنظامی، در صورت اعراض دولت زیان‌دیده

نیز سایر دولت‌های منتفع از قاعده آمره مزبور در یک گروه (مانند کنوانسیون ایکائو و به طور خاص، ماده ۳ مکرر با تصویب ۱۹۳ دولت) و همین‌طور، جامعه بین‌المللی دولت‌ها نیز این حق را دارد تا نسبت به پیگیری حقوقی موضوع اقدام نماید. (Art, DARSIVA, ۴۵. Commentary, ۲) از طرف دیگر، با توجه به عدم اعراض صریح دولت ایران در موافقتنامه حل و فصل با ایالات متحده نسبت به حق شخصی قربانیان ایرانی در پیگیری حقوقی موضوع، همان‌گونه که در ادامه خواهیم گفت بازماندگان قربانیان حادثه می‌توانند نسبت به خود نقض و دریافت حکم اعلامی محکومیت و مسوولیت دولت ایالات متحده در قضیه مزبور به محاکم داخلی ایران مراجعه نمایند.

شاید این پرسش مطرح شود که آیا دولت زیان‌دیده در اثر توافق با دولت دیگر می‌تواند امکان حق اقامه دعوی اتباع خود را طی یک موافقتنامه صلح یا پرداخت یکجا به طور کامل اسقاط کند. برخی حقوقدانان در این خصوص ابراز تردید کرده‌اند و معتقدند اعراض از حق اتباع از سوی دولت متبوع در پیگیری حقوقی موضوع، مستلزم تصریح در موافقتنامه است. (Tams, ۲۰۱۰, pp. ۱۰۳۹ et seq) در واقع، به نظر می‌رسد که در فرض موافقتنامه ایران و ایالات متحده در خصوص حادثه هوایی ۳ ژوئیه ۱۹۸۸، دولت ایران حق خود را در برابر دولت ایالات متحده اسقاط کرده است و اگر قرار باشد که دولت مسوول، قصد اسقاط حق قربانیان علیه خودش را داشته باشد باید به طور صریح چنین موضوعی را در موافقتنامه با دولت متبوع آنها درج نماید. چنین صراحتی در موافقتنامه موضوع بحث ما دیده نمی‌شود. در حالی که ایالات متحده صریحاً در قالب درج عبارات مختلف و به شکل‌های متنوع سعی در بستن هرگونه راه ادعایی دولت ایران را دارد. اما چنین چیزی را در مورد اتباع ایرانی بیان نمی‌کند.^۱

۱. رویه قضایی محاکم داخلی در پاسخ به این پرسش که آیا دولت می‌تواند در اثر انعقاد موافقتنامه‌های مقطوع مبادرت به اعراض حق اتباع خود نماید، دادگاه قانون اساسی اتریش در سال ۱۹۹۲ معتقد است که جدای از موافقتنامه منعقد میان دولت‌های ذیربط، اتباع ذیربط نیز می‌توانند پیگیری حقوقی خود را داشته باشند. این در حالی است که دادگاه قانون اساسی آلمان در سال ۲۰۰۶، اعلام کرد اتباع یک دولت

شرح کمیسیون در ادامه به موردی می‌پردازد که نقض تعهدی که دولت زینانیده ادعای ناشی از آن را اسقاط کرده است اما خود قاعده نقض شده دارای خصیصه آمره است. در این حالت کمیسیون معتقد است که حتی اگر دولت زینانیده در این خصوص به صراحت یا به طور تلویحی رضایت خود را به اعراض از حق پیگیری حقوقی ابراز نماید، اما تعهدی که نقض شده واجد ویژگی قاعده آمره است؛ بدین بیان که قاعده مزبور دارای منفعتی است که گروهی از دولت‌ها در قالب یک معاهده و یا این که جامعه بین‌المللی در کل از آن بهره‌مند خواهد شد. از این رو، امکان پیگیری این تعهد نقض شده از سوی جامعه بین‌المللی جهت تضمین دست‌یابی به یک حل و فصل یا مصالحه بر اساس حقوق بین‌الملل منتفی نخواهد شد. (Tams, 2010, p. 1039 et seq)

حال باید دید آیا در نتیجه حمله ناو آمریکایی کارل وینسنس به هواپیمای مسافری ایرانی در ۳ ژوئیه ۱۹۸۸ تعهداتی نقض شده‌اند که مشمول ویژگی قاعده آمره هستند؟ در واقع، پرسش اصلی این است که آیا توسل به زور علیه هواپیمای غیرنظامی که به شرح پیش‌گفته به موجب ماده ۳ مکرر کنوانسیون شیکاگو منع شده است. و در نتیجه، سلب حق حیات مسافران و خدمه، همچنین نقض حریم حاکمیت هوایی و مداخله در امور داخلی ایران، دارای ویژگی قاعده آمره هستند؟ با توجه به احراز برخی تعهدات به عنوان قواعد آمره به نظر می‌رسد به عنوان قدرمتیقن می‌توان به ممنوعیت توسل به زور به طور کلی و ممنوعیت توسل به زور علیه هواپیمای غیرنظامی را به عنوان قاعده آمره تلقی کرد. پیرامون ممنوعیت سلب حیات نیز تردیدی وجود ندارد اما به نظر می‌رسد که اسباب این سلب حیات یعنی توسل به زور علیه هواپیمای غیرنظامی در موضوع مورد بحث ما از اهمیت بیشتری برخوردار باشد.^۱ در مقابل، ایالات متحده برای

فقط از طریق حمایت دیپلماتیک می‌توانند اقدام نمایند و در اثر موافقتنامه مقطوع، دیگر امکان پیگیری حقوقی را نخواهند داشت. رک: (Court Constitutional Germany, 2006, Reports Oxford)

(H2-3. Courts Domestic in Law International)

۱. در مورد ویژگی‌های قاعده آمره، رک: کدخدایی و عابدینی، ۱۳۹۴: ۴۳-۴۱. همچنین، گزارش اخیر

توجیه حمله به هواپیمای ایرانی به حق دفاع مشروع خود متوسل شده بود. در حالی که دفاع مشروع طبق موازین حقوق بین‌الملل دارای شرایطی است که در ماده ۵۱ منشور ملل متحد بیان و در حقوق بین‌الملل عرفی منعکس شده است. از جمله این شرایط آن است که ابتدا باید نوعی «حمله مسلحانه»^۱ علیه مدعی دفاع مشروع انجام شده باشد. آستانه حمله مسلحانه در پرونده «فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی ایالات متحده در و علیه نیکاراگوئه» در سال ۱۹۸۶ به خوبی تبیین شده بود. «شدیدترین شکل توسل به زور»^۲ معیار متقنی بود که دیوان در آن قضیه برای احراز آستانه حمله مسلحانه تعیین کرده بود. حتی دیوان معتقد بود اگر نیروهای نظامی یک کشور نیز اقداماتی نظامی علیه کشور دیگر انجام دهند اما از شدت و اثر لازم برخوردار نباشد، این اقدام نقض توسل به زور تلقی می‌شود اما حمله مسلحانه محسوب نمی‌شود. (Zemanek, ۲۰۱۳, pars. ۱-۲) ضمن این که پس از احراز وقوع حمله مسلحانه، باید شروط «ضرورت و تناسب»^۳ را نیز در نظر آورد. آیا راه حل دیگری برای دور کردن خطر وجود دارد (ضرورت) که در قضیه ایرباس می‌توانست با اخطار شلیک چنین کاری را انجام دهد. آیا تناسبی میان پرواز ایرباس و انهدام آن از طریق پرتاب دو موشک جهت دفاع مشروع ادعایی ناو وینسس وجود دارد یا خیر؟ کاملاً مشهود است که با توجه به اطلاع ناو وینسس از غیرنظامی بودن هواپیما،

کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد قاعده آمره فهرستی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل را که در کارهای پیشین کمیسیون بدانها اشاره شده درج کرده است. در این میان نخستین قاعده‌ای که مورد اشاره قرار گرفته قاعده منع توسل به زور می‌باشد. وی در این خصوص به رویه دولت‌ها، رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری و دکترین اشاره می‌کند. همچنین، گزارشگر به ابتکار خود به سه قاعده دیگری که از نظری ظرفیت تبدیل به قاعده آمره را دارند صحبت کرده است از جمله به موضوع حق حیات و ممنوعیت خودسرانه سلب حیات. رک: Tladi, ۲۰۱۹, pp. ۲۵-۳۰, ۱۲۸-۱۳۰

Randelzhofer and Dorr. 2012, p. 231, para. 67. International Law Association, 2018, p. 27; Helmersen. 2014, P167-193..

1. Armed Attack
2. The gravest forms of use of force
3. Necessity and Proportionality

شلیک دو موشک به یک هواپیمای غیرنظامی کاملاً نامتناسب است.^۱

ضمن این که بر اساس مقررات کنوانسیون شیکاگو یک اصل کلی حقوقی بین‌المللی که به صورت قاعده عرفی نیز درآمده حاکی از آن است که توسل به زور علیه هواپیمای غیرنظامی و به خطر انداختن ایمنی آن غیرقانونی است. این قاعده که خود حاصل توسل به زور علیه یک هواپیمای غیرنظامی کره‌ای توسط هواپیمای جنگی شوروی سابق در ۱۹۸۳ است به صورت ماده ۳ مکرر در سال ۱۹۸۴ در کنوانسیون شیکاگو گنجانده شده است.^۲ نکته مهمی که باید در این جا بدان اشاره کرد آن است که از روز تصویب ماده ۳ مکرر در ۱۹۸۴، دولت ایالات متحده حتی آن را امضا نکرده است^۳ و این موضوع از سوی برخی حقوقدانان به عنوان عامل نگرانی برای ایمنی هوانوردی کشوری مطرح شده است. (Aust, ۲۰۰۷, para. ۱۶)

۱. به تعبیر لایحه ایران، حتی اگر بپذیریم که یک اف-۱۴ به سمت ناو وینسس در حال حرکت بوده، تا زمانی که هیچ اقدام تهاجمی از سوی جنگنده مزبور انجام نشده بود، ناو وینسس حق توسل به زور در قالب دفاع مشروع را ندارد زیرا آستانه دفاع مشروع وقوع یک حمله مسلحانه است که در پاسخ به آن حمله دیگری جهت دفع حمله نخست انجام می‌شود. با این حال، برخی نویسندگان امریکایی در همان زمان سقوط ایرباس معتقد بودند اگر هواپیمای غیرنظامی بدون توجه به پیغام‌های هشدار همچنان در حال نزدیک شدن به سمت هدف خود بود، چگونه می‌توان در چارچوب دفاع مشروع عمل کرد. رک: Linnan, ۱۹۹۱, pp ۳۸۸-۳۸۹

۲. در مورد امره بودن قاعده خاص منع توسل به زور علیه هواپیمای غیرنظامی باید به اتصال این قاعده به قاعده کلی منع توسل به زور و همچنین، تعداد دولت‌های عضو ایکائو (۱۹۳ دولت) و پذیرش کلی این موضوع از سوی دولت‌های عضو در زمان پذیرش قطعنامه مربوط به تصویب ماده ۳ مکرر به طور اجماعی به موضوع عدم توسل به زور علیه هواپیمای غیرنظامی اشاره کرد. رک:

https://www.icao.int/secretariat/legal/Status20%of20%individual20%States/united_states_en.pdf; also <https://www.mcgill.ca/iasl/files/iasl/montreal1984.pdf>

3. Status of the United States with Regard to International Air Law Instruments ,at: https://www.icao.int/secretariat/legal/Status20%of20%individual20%States/united_states_en.pdf

ایران نیز در تاریخ ۱۹۹۴ پروتکل حاوی ماده ۳ مکرر را امضا و در ۱۹۹۸ آن را به تصویب رسانده است. رک: https://www.icao.int/secretariat/legal/Status20%of20%individual20%States/iran_islamic_republic_of_en.pdf

از طرف دیگر، اگر طبق مواد ۵۵ و ۸۴ کنوانسیون شیکاگو تلویحاً بتوان این برداشت را داشت که مراجعه دوباره به شورای ای‌کائو پذیرفته شده است، با این حال، ممکن است این استدلال از سوی شورا مطرح شود که موافقت‌نامه حل و فصل پرداخت مقطوع و یکجای ایران و ایالات متحده در خصوص سانحه ایرباس امکان رسیدگی در این نهاد را فراهم نمی‌کند.

۲-۲- توسل به «قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای

رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی»

در صورتی که راهکار نخست در بالا مورد پذیرش واقع نشود، شاید تنها راهکار حقوقی باقیمانده، توسل به «قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی» مصوب ۱۳۹۱ باشد. زیرا مطابق با مفاد موافقت‌نامه تنها دولت ایران از حق خود برای پیگیری حقوقی بعدی اعراض کرده است در حالی که صحبتی از اسقاط حق اشخاص علیه ایالات متحده به میان نیامده است و از این رو، این حق همچنان برای اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی زیان‌دیده از این حادثه وجود دارد.

طبق ماده ۱ این قانون «برای مقابله و جلوگیری از نقض مقررات و موازین حقوق بین‌الملل، اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند از اقدامات دولت‌های خارجی که مصونیت قضائی دولت جمهوری اسلامی ایران و یا مقامات رسمی آن را نقض نمایند، در دادگستری تهران اقامه دعوی کنند. در این صورت دادگاه مرجع‌الیه مکلف است به عنوان عمل متقابل به دعاوی مذکور رسیدگی و طبق قانون، حکم مقتضی صادر نماید...» (ماده ۱)

طبق این ماده، اشخاص حقیقی و حقوقی به صورت عام به کار رفته‌اند. بنابراین، براساس این قانون، قربانیان این حادثه می‌توانند با مراجعه به دادگاه ذیصلاح در تهران

نسبت به حادثه مزبور طرح دعوا کنند. این موضوع می‌تواند شامل قربانیان ایرانی و غیرایرانی شود. بر این اساس، می‌توان فروض زیر را در نظر گرفت: قربانیان ایرانی که غرامت خود را دریافت کرده‌اند و آن را کافی می‌دانند؛ قربانیان ایرانی که غرامت خود را دریافت کرده‌اند و آن را ناکافی می‌دانند؛ قربانیانی که ایرانی نیستند؛ و قربانیانی ایرانی که به هر دلیل نتوانستند غرامت مزبور را دریافت کنند. این سابقه در حقوق بین‌الملل وجود دارد که به‌رغم انعقاد موافقتنامه‌های صلح یا پرداخت یکجا، مواردی از طرح دعوا توسط اتباع کشور زیان‌دیده در محاکم داخلی علیه کشور ناقض تعهد که منجر به زیان به اشخاص حقیقی و حقوقی شده، قابل مشاهده است. (Kleffner, ۲۰۱۱. pp. ۱۴-۱۷) در این مورد، می‌توان به دعوی معروف آلمان علیه ایتالیا در دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۱۲ اشاره کرد. (State the of Immunities Jurisdictional, ۲۰۱۲. para. ۱۳۹) هرچند دیوان در نهایت به دلیل وجود مصونیت دولتی، اعلام کرد که دعوی قربانیان ایتالیایی و یونانی جنایات جنگی ارتكابی توسط ارتش آلمان در جنگ جهانی دوم، امکان طرح و اجرا در محاکم ایتالیا را نخواهد داشت.^۱ اما نکته مهم در مورد قربانیان ایرانی حادثه ایرباس آن است که دولت ایران پیشتر در قالب «اقدام متقابل»^۲ علیه دولت آمریکا که مصونیت ایران را به دلیل حمایت از تروریسم در محاکم این کشور سلب کرده، ایران نیز مصونیت دولت مزبور را در محاکم خود به رسمیت نمی‌شناسد.^۳ از آنجایی که طبق حقوق بین‌الملل، اقدام متقابل در برابر یک عمل متخلفانه قبلی قابل اتخاذ است، این اقدام ایران به واسطه اقدام متخلفانه قبلی ایالات متحده در سلب مصونیت دولت ایران، از

1. US Department of State, State Sponsors of Terrorism, at: <https://www.state.gov/state-sponsors-of-terrorism/>

در حال حاضر در این فهرست، در کنار کشور ایران، کشورهای سوریه و کره شمالی قرار دارند.

2. Countermeasures

۳. فحواى ماده ۱ قانون مزبور بحث اقدام متقابل را به خوبی نشان می‌دهد. «در این صورت دادگاه مرجوع الیه مکلف است به عنوان عمل متقابل به دعوی مذکور رسیدگی و طبق قانون، حکم مقتضی صادر نماید.» هرچند در اینجا منظور از عمل متقابل بخشی از گستره وسیع اقدام متقابل قلمداد می‌شود.

ظرفیت‌های نظام حقوقی ایران برای جبران خسارت قربانیان حادثه حمله به هواپیمای ایرباس...

نظر حقوقی قابل توجیه می‌باشد. (DARSIWA, ۲۰۰۱, Art. ۲۲) بنابراین، بر اساس قانون مزبور، قربانیان حادثه ایرباس می‌توانند به دادگاه ذیصلاح در تهران مراجعه نمایند.

ماده ۱ در ادامه اشعار می‌دارد «... فهرست دولت‌های مشمول عمل متقابل توسط وزارت امور خارجه تهیه و به قوه قضائیه اعلام می‌شود...» بر اساس اعلام وزارت خارجه، دولت ایالات متحده در مقام عمل متقابل، در فهرست کشورهای است که می‌توان علیه آنها بر مبنای قانون حاضر در دادگاه ذیصلاح تهران طرح دعوا کرد.^۱

نکته دیگر آن است که با فرض این که همه قربانیان ایرانی غرامت خود را به طور کامل و مؤثر دریافت کرده باشند، دیگر چه دلیلی برای طرح دعوا وجود دارد؟ در پاسخ می‌توان به این نکته اشاره کرد که خواسته قربانیان می‌تواند صرفاً شناسایی مسوولیت بین‌المللی و محکومیت اقدام ایالات متحده باشد. بر اساس بند ۱ از ماده ۱ قانون مزبور «موارد موضوع این ماده عبارت است از: الف - خسارات ناشی از هرگونه اقدام و فعالیت دولت‌های خارجی در داخل یا خارج ایران که مغایر با حقوق بین‌الملل است و منجر به فوت یا صدمات بدنی یا روانی یا ضرر و زیان مالی اشخاص می‌گردد.» در اینجا توجه به ضرر و زیان روانی برای قربانیان ایرانی قابل استناد است. ضمن این که دامنه اقدام و فعالیت دولت‌های خارجی در داخل یا خارج ایران که مغایر با حقوق بین‌الملل باشد، بسیار حائز اهمیت است. از این رو، به راحتی می‌توان اقدام ناو وینسس در سرنگونی ایرباس ایرانی را داخل در محدوده صلاحیت موضوعی قانون دانست.

اگر این پرسش مطرح شود که چگونه می‌توان اثر قانون مصوب مزبور را که در سال ۱۳۹۱ به تصویب رسیده به ماقبل آن تسری داد، ماده ۲ این قانون چنین پاسخ می‌دهد که «دعای موضوع این قانون با منشأ قبل از تصویب آن قابل طرح و رسیدگی است.» بنابراین، طبق نظر قانونگذار ایرانی، اصل عطف به ماسبق نشدن بر اساس منافع

۱. آیین نامه اجرایی قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی مصوب دی ماه ۱۳۹۲.

و مصالح ملی کشور مانعی در این راه محسوب نمی‌شود. ضمن این که دعاوی این قانون عمدتاً مربوط به دعاوی بین‌المللی است و در دعاوی بین‌المللی مرور زمان پذیرفته شده نیست.^۱ به عبارت دیگر، صلاحیت زمانی بر اساس قانون حاضر می‌تواند به ادعاها و دعاوی پیش از تصویب این قانون نیز تسری پیدا کند. از منظر هزینه‌های دادرسی نیز ماده ۵ این قانون حمایت لازم را از قربانی اقدامات ناقض تعهدات بین‌المللی به این شکل به عمل آورده است که «هزینه دادرسی و مالیات وکلای خواهان این نوع دعاوی پس از اجرای حکم به حساب خزانه داری کل واریز می‌شود.»

اما شرط کلیدی که در این قانون برای رسیدگی دعوا در دادگاه مد نظر قرار گرفته آن است که دادگاه ذیصلاح «در موارد زیر صلاحیت رسیدگی به شکایت علیه دولت‌های خارجی را دارند: ۱- زیان دیده یا بازماندگان وی در زمان وقوع حادثه یا زمان طرح دعوی تبعه ایران باشند. ۲- زیان دیده در زمان ورود خسارت در استخدام دولت جمهوری اسلامی ایران باشد.» (ماده ۶) بنابراین، از منظر صلاحیت شخصی این قانون، هم قربانیان ایرانی و هم خدمه هواپیمای مزبور بر اساس این دو شرط می‌توانند دادخواست خود را مطرح نمایند. ظاهراً بر اساس بند نخست ماده مزبور، قربانیان غیرایرانی نمی‌توانند در دادگاه ذیربط طرح دعوا نمایند مگر این که طبق بند دوم در زمان ورود خسارت در استخدام دولت ایران باشند. حتی بر اساس این قانون می‌توان علیه مقامات رسمی دولت دیگر هم طرح دعوا نمود. بر اساس ماده ۷ این قانون «دعاوی علیه نمایندگان یا مقامات یا نهادهای وابسته یا تحت کنترل دولت خارجی با رعایت اصل عمل متقابل، در صورتی قابل رسیدگی است که خسارات، ناشی از اقدامات موضوع این قانون باشد.»

۱. ماده ۴۵ طرح مسوولیت دولت تنها اعراض از حق طرح مسوولیت دولت را به عنوان دلیل از دست دادن حق استناد به مسوولیت قلمداد کرده است. بنابراین، اساساً مرور زمان در حقوق مسوولیت دولت قابل طرح نیست. دیوان در قضیه ناٹورو اعلام کرده مرور زمان در طرح دعاوی بین‌المللی راه ندارد و این دیوان است که می‌تواند اعلام کند در پرتو بررسی همه اوضاع و احوال یک قضیه، آیا گذر زمان موجب می‌شود که دعاوی مزبور قابل استماع باشد یا خیر؟ ر.ک: (Nauru in Lands Phosphate Certain, ۱۹۹۲, para. ۲۵۳)

بنابراین، می‌توان به این نتیجه‌گیری مهم رسید که قانون مزبور ظرفیت‌های مناسبی برای طرح دعوا در محاکم داخلی ایران فراهم می‌آورد. اما با توجه داشت که با توجه به موافقت‌نامه حل و فصل اختلاف ایران با ایالات متحده، امکان پیگیری حقوقی «دولت ایران» و نه اتباع ایرانی، در محاکم و مراجع ذیصلاح بین‌المللی وجود ندارد.

برآمد

جدای از موضوع بازخوانی پرونده ایرباس در دیوان بین‌المللی دادگستری و موضوع مصالحه میان ایران و ایالات متحده در این پرونده که برای افکار عمومی و حقوقدانان به خوبی روشن نشده و نیازمند مجال مستوفای دیگری برای تشریح زوایای مختلف آن است، یکی از پرسش‌های مهم پس از این مصالحه آن است که آیا بازماندگان قربانیان ایرانی این حادثه، امکان پیگیری حقوقی موضوع را در محاکم ایران دارند یا خیر. همان‌گونه که ملاحظه شد، مصونیت مقامات دولت خارجی مانع از رسیدگی کیفری در نظام حقوقی ایران خواهد بود. با این حال، با توجه به ظرفیت قابل توجه قانون صلاحیت محاکم دادگستری، امکان پیگیری حقوقی موضوع در قالب دریافت رأی اعلامی مبنی بر نقض تعهد دولت ایالات متحده در سرنگونی هواپیمای ایرباس و همچنین، عدم پیگرد کیفری افراد مرتکب بر اساس کنوانسیون توکیو وجود دارد.

از این رو، به نظرمی رسد انعقاد موافقتنامه‌های مقطوع لزوماً به معنای اعراض دولت یا اتباع دولت زیان‌دیده تلقی نمی‌شود. بلکه باید مفاد مندرج در این گونه موافقتنامه‌ها را با دقت مطالعه نمود. از آنجایی که با وجود انعقاد صدها موافقتنامه مقطوع از زمان جنگ جهانی دوم به بعد، لزوماً یک رویه مشترک یا اصول و قواعد مرتبط از جمله در خصوص اسقاط قهری حق زیان‌دیدگان در اثر انعقاد این نوع موافقتنامه‌ها به وجود نیامده است، در این خصوص چند حالت متصور است. اگر تصریحی در اعراض از حق پیگیری حقوقی از سوی دولت مطرح شده باشد، این امر لزوماً به معنای اعراض از پیگیری کیفری موضوع تلقی نمی‌شود. ضمن این که اگر موضوع جبران خسارت از اتباع دولت زیان‌دیده مطرح باشد، این امر الزاماً به معنای چشم‌پوشی از حقوق انفرادی افراد در پیگیری موضوع در ظرفیت شخصی خویش در محاکم داخلی کشور متبوع خود و سایر کشورها یا حتی نهادهای ذیربط از جمله کمیته‌های معاهده محور ملل متحد مانند کمیته حقوق بشر قلمداد نمی‌شود.

References

- Aust, Anthony (2007) *Civil Aviation, Offences against Safety*, *Max Planck Encyclopedia of Public International Law*, Online Version.
- Bank, Roland, and Friederike Foltz (2013) *Lump Sum Agreements*, *Max Planck Encyclopedia of Public International Law*, Online Version, at: <https://opil.ouplaw.com/view/10.1093/law:epil/9780199231690/law-9780199231690-e842>
- Green, James (2011) Questioning the Peremptory Status of the Prohibition of the Use of Force, *Michigan Journal of International Law*, Vol. 32.
- Hailbronner, Kay and Daniel Heilmann (2009) *Aerial Incident Cases before International Courts and Tribunals*, *Max Planck Encyclopedia of Public International Law*, online version, at: <https://opil.ouplaw.com/>
- Helmersen, Sondre Torp (2014) The Prohibition of the Use of Force as Jus Cogens: Explaining Apparent Derogations, *Netherlands International Law Review*, Vol. 61.
- Kleffner, Jann K, Peace Treaties (2011) *Max Planck Encyclopedia of Public International Law*, Online Version, at: <https://opil-ouplaw-com>
- Linnan, David K. (1991) Iran Air Flight 655 and Beyond: Free Passage, Mistaken Self-Defense, and State Responsibility, *Yale Journal of International Law*, Vol. 21.
- Lowenfeld, Andreas (1989) Agora: the Downing of Iran Air Flight 655, *American Journal of International Law*, Vol 83.
- Randelzhofer and Dorr (2012), Article 2 (4), in Bruno Simma et la, The Charter of the United Nations: A Commentary, 3th ed., Vol. I,

- Oxford University Press.
- Tams, Christian (2010) Waiver, Acquiescence, and Extinctive Prescription, in, *The Law of International Responsibility*, James Crawford, Allen Pellet and Simon Olleson, Oxford University Press.
- Von Heinegg, Wolff Heintschel, Warships, ***Max Planck Encyclopedia of Public International Law***, 2015.
- Zemanek, Karl (2013) ***Armed attack, Max Planck Encyclopedia of Public International law***, Online Version, at: <https://opil.ouplaw.com/>
- Aerial Incident of 3 July 1988 (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Order of 22 February 1996, ICJ Reports 1996.
- Aerial Incident of 3 July 1988 (Islamic Republic of Iran v. United States of America) - Postponement of the hearings, 11 August 1994, at: <https://www.icj-cij.org/files/case-related/79/10349.pdf>
- Application Instituting Proceedings filed in the Registry of the Court on 17 May 1989, Aerial Incident of 3 July 1988 (Islamic Republic of Iran v. United States of America).
- Certain Phosphate Lands in Nauru, Preliminary Objections, ICJ Reports, 1999.
- Jurisdictional Immunities of the State) Germany v .Italy :Greece intervening ,(Judgment of 3 February.2012
- Memorial Submitted by the Islamic Republic of Iran) Memorial of Iran ,(Vol .I 24 ,July.1990
- (Oil Platforms) Islamic Republic of Iran v .United States of America ,Preliminary objections ,(Judgment of 12 December ,1996 para,53 . at :<https://www.icj-cij.org/files/case-related-90/090-19961212/JUD-01-00-EN.pdf>
- Oil Platforms ICJ Reports .2003 ,Preliminary Objections Submitted by the United States of America 4 ,March.1991

Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries 2001, Yearbook of the International Law Commission, 2001, vol. II, Part Two.

Formal Investigation into the Circumstances Surrounding the Downing of Iran Air Flight 655 on 3 July 1988, 19 August 1988, at: https://archive.org/stream/FormalInvestigationintotheCircumstancesSurroundingtheDowningofIranAirFlight655on3July1988/FormalInvestigationintotheCircumstancesSurroundingtheDowningofIranAirFlight655on3July1988_djvu.txt

Fourth report on preemptory norms of general international law (jus cogens) by Dire Tladi, Special Rapporteur, 31 January 2019, at: <http://legal.un.org/docs/?symbol=A/CN.4/727>

<https://www.nytimes.com/1989/07/18/world/us-offers-money-in-iran-air-case.html>

International Law Association, Use of Force, Sydney Conference (2018).

Letter from the Secretary General of the International Civil Aviation Organization to the Registrar of the International Court of Justice ,ICJ Reports ,1992 ,p.617 .

Resolution Adopted by the Council of the International Civil Aviation Organization at the 20th Meeting of its 126th Session on 17 March 1989.

S/20020 (Islamic Republic of Iran: 18 July 1988)

Settlement agreement on the case concerning the aerial incident of July 1988 ,3 before the International Court of Justice ,with annexes .Signed at The Hague Feb .1996 ,9 .Entered into force Feb ,1996 ,9 .at :<https://heinonline-org.peacepalace.idm.oclc.org/HOL/Page?public=true&handle=hein.u treaties/>

kav04610&div&2=start_page]=i&[collection=weaties&set_as_
cursor&0=men_tab=srchresults

Status of the United States with Regard to International Air Law In-
struments ,at :[https://www.icao.int/secretariat/legal/Status20%
of20%individual20%States/united_states_en.pdf](https://www.icao.int/secretariat/legal/Status20%of20%individual20%States/united_states_en.pdf)

United State Department of State ,State Sponsors of Terrorism ,at:
<https://www.state.gov/state-sponsors-of-terrorism/>

Eighth report on immunity of State officials from foreign
criminal jurisdiction ,by Concepción Escobar Hernández,
Special Rapporteur 28 ,February ,2020 [https://documents-dds-
ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N20/054/37/PDF/N2005437.
pdf?OpenElement](https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N20/054/37/PDF/N2005437.pdf?OpenElement)